



عشق به زندگی با کار کردن

همراه با رمضان ماهانی، قدیمی محلّه رضاییه



رمضان ماهانی، همچنان که تیغه تیز را در لاستیک سیاه و قطور وارد می کند و جلو می برد، صدای جیر جیر پاره شدن لاستیک، موسیقی آشنایی برای پیر مرد است که او را به خاطرات دور می برد. ماهانی شاید یکی از چند نفر سطل ساز لاستیکی قدیمی در مشهد است، که هنوز مشغول به کار می باشد.

مغنازه قدیمی اش که دیوارهای گچی آن در بعضی از جاها ریخته و کاهگل و آجرهای خام آن نمایان است، گواه بر این ادعای باشد. از روز گارش که می پرسم، می گوید: ۵۰ ساله بودم که پدر و مادر مرا از دست دادم و به خانه دایی ام رفتم و از سن ۱۰ سالگی به شاگردی سطل سازی در پایین خیابان رفتم. با همه کوچکی اندام و سن و سال کم، مجبور شدم که لاستیک های قطور (جیر) را با تیغه های تیز ببرم و به قطعات دل خواه در آورم، در حالی که کار کردن در این شغل حتی برای مرها نیز سخت و طاقت فرسای بود.

او در ادامه می گوید: من بعد از استناد تنها شاگردا و بودم که شغل اش را ادامه دادم. در ده سن جوانی اولین جواز کسب را در این شغل گرفتم و شاید امروز حتی کسی وجود نداشته باشد که جواز کسبی در این شغل داشته باشد.

وقتی در مورد وسایل مورد استفاده در این شغل می پرسم، می گوید: وسایل کار ما از ۵۰ سال قبل تغییری نکرده است و عبارت است از: یک سندان، دو عدد تیغه تیز و انبر دست و چکش و مقداری میخ آهنی و یک اراده قوی.

مواد خام نیز لاستیک های مستعمل اتوبوس و ماشین های کامیون می باشد. لاستیک دیگر ماشین های کوچک برای این کار استفاده نمی شود.

می پرسم، این مواد خام را از کجا تهیه می کنید؟ در جواب می گوید: معمولا از گارژهای اتوبوس و کامیون البته گاهی وقت ها خود سفارش دهندگان مواد خام را می آورند و ادامه می دهد. قیمت هر لاستیک کهنه که خریداری می شود، بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان است.

می پرسم چه قسمتی از لاستیک مورد استفاده قرار می گیرد و ماهانی در جواب می گوید: قسمت داخلی لاستیک که مخلوطی از لاستیک و ونچ می باشد و در اصطلاح ما به آن (منجیل) می گوئیم، سخت ترین قسمت کار جدکار درن قسمت خارجی و عاج دار لاستیک از قسمت داخلی آن است، که هم مهارت زیادی می خواهد و هم قدرت زیاد. بعد از جدکار درن قسمت خارجی آنچه باقی می ماند، نرم و قابل انعطاف می باشد و می توان آن را تبدیل به شیء دلخواه کرد. برای آنکه بهتر متوجه شوم، یکی از منجیل های تهیه شده را برمی دارد و شروع به ساختن می کند.

من لاستیک (منجیل) را لمس می کنم. به آن نرمی نیست، حتی سفت هم است. قدرت زیادی می خواهد تا آن را به صورتی دلخواه در آورد، نگاهم متوجه دستان استاد کار پیر می شود، که با ظرافت یک خیاط طوری لاستیک را زخم زده و سیاه با میخ هم می دوزد که فکر می کنی پارچه ای نور و ابرو بیمنی است.

می پرسم که چه چیزهایی با این مواد می سازند، می گوید: سطل و تقار (تشت) و خورجین و مشک آب و... که در قدیم، از این وسایل در شهرها نیز استفاده می شد ولی با ورود وسایل استیل و لاکمی و روی به بازار، دیگر در شهرها استفاده نمی شود. در ادامه می گوید: بیشترین مصرف در شهرها مربوط به سطل های چاه کنی و استفاده در کارهای ساختمانی بوده که آن هم با آمدن بالابرهای برقی دیگر کسی از این سطل ها استفاده نمی کند و تنها سطل های برای این چاه کنی در شهر مورد استفاده قرار می گیرد.

فعلابیشترین خریداران در بین روستاییان و عشایر می باشد. سطل هایی برای میوه چینی و کارهای ساختمانی و سطل هایی برای ریختن علفه برای دام ها ولی بیشترین مصرف در بین عشایر می باشد که جز استفاده برای آب شرب، دست فروش ها و تمام رده دیگر از این سطل ها استفاده می شود.

می پرسم این سطل ها چه امتیازی نسبت به سطل های دیگر دار و او می گوید: این سطل ها شگفته و کهنه نمی شود و عمر طولانی دارند و اگر آسیب ببینند با چند عدد میخ قابل تعمیر می باشند.

آیا شاگردی هم دارید؟ می گوید: شغل ما، شاید چند سال دیگر تبدیل به خاطره شود، مانند بسیاری از شغل های قدیمی دیگر که از بین رفت، اما پسر کوچک من، تنها شاگرد من است که شغل من را یاد گرفته است و دوست دارد آن را ادامه دهد. شاید او نیز نسل از سطل سازان لاستیکی باشد.

با این همه سختی از درآمدتان راضی هستید؟ می گوید: اگر چه فروش ما بسیار اندک است ولی تمام روز زندگی ما را تامین کرده است. من از راه همین سطل سازی، تمام فرزندانم را عروس و داماد کرده ام و به مکه رفته ام و سطل های باقی مانده از عمرم نیز همین طور خواهد گذشت.

در پایان این استاد پیر از دغدغه های خود می گوید: من بعد از بیش از نیم قرن کار هیچ نوع بیمه ای ندارم و برای تامین زندگی در دوران کهنوت احساس نداشتن پشتیبان برای من باعث نگرانی است. چه چیز را مایه پیشرفت زندگی خود می دانید؟ من با توکل و تلاش شبانه روزی از شاگردی در نزد استاد به اینجا رسیدم. بیش از ۵۰ سال است که این شغل را ادامه داده ام و هر روز صبح در مغازه را با نام یاد باز و شروع به کار می کنم و کار کردن است که مرا سر حال نگه داشته است. به طوری که در ۷۰ سالگی هیچ مرضی ندارم و از خیلی از جوان های امروز قوی تر و سالم تر هستم.

عمران و امنیت؛ مطالبات همیشگی اهالی گلشهر

همراه با شهردار منطقه ۵ و واگویی های اهالی کوچه در مانگاه، در شهید آوینی



عکس: مجید لشکری/شهرار

هم نیامده و باز جواب می شنود: هر زینه جمع آوری زباله بر اساس متر از است.

این شهروند در ادامه می گوید: پارسال از ما ۹۰۰ هزار تومان پایان کار تجاری گرفته اند، در حالی که از بعضی ها ۲۰۰ تومان گرفته اند، و به ما گفته اند: مبلغ چند سال را باید یکجا بدهید، در حالی که مغازه بسته بوده است و... که باز هم حسینی جواب این شهروند را می دهد: هر چند به نظر می رسد او قانع نشده است! اگر چه جلسه پرباری است و مسائل مطرح شده در آن مطالبی هستند که ممکن است؛ در مناطق دیگر نیز مشکل ساز باشند

باشد که شامل: مهر آباد، خیابان الزهرا، بولوار میامی، مهدی آباد، حجت آباد، عباس آباد، شهید آرمون و شهرک ثامن است من؛ احمد و حتی هم هنوز توی کما است. کشته شده های دیگری هم داریم. به جای این همه خرجی که می خواهید برای مسائل جانبی بکنید، خون بهای کشته شدگان را بدهید. جوان همچنان معتقد است؛ مشکلات صدمتری زیاد است و می پرسد، چرا بعد از ۶ سال هنوز این پروژه تمام نشده است و مانند یک کارشناس مواردی را عنوان و بررسی می کند. سلطانی بدون وقفه صحبت می کند و هر بار که مهندس حسینی می خواهد پاسخ او را بدهد، صدایش را بلندتر می کند. بالاخره شهردار فرصتی می یابد و می گوید: شما خیلی تند می روید هر کاری یک قدم و تاخری دارد ما نمی توانیم اول زیر گذر بگذاریم بعد رو گذر، اول می باید ترافیک را به بالای جاده هدایت می کردیم.

پلیس ساختمان محلّه تان باشید

یکی از اهالی راجع به عقب نشینی میلان در مانگاه می پرسد و اینکه چرا بعضی مالکان با توجه به این مسئله همچنان بدون



قول و  
قرارها:

- ادامه ساخت و بهره برداری از کتابخانه ۵۰۰ متری در آوینی ۴۳ تا پایان سال
- شروع پروژه ورزشگاه سرپوشیده و فضای سبز ۴ هزار متری در منطقه گلشهر و افتتاح آن در سال ۹۰
- جلوگیری از ساخت وسازهای غیر مجاز در منطقه
- تعیین تکلیف زمین های وقفی
- بررسی اجاره بهای در بافتی اوقاف
- احداث پارک خطی در اطراف صدمتری

مهندس حسینی: هر کسی که در شهر زندگی می کند یک سری هزینه های شهروندی را باید بپردازد، اعم از هزینه هایی در خصوص جمع آوری زباله، هزینه آسفالت، جدول گذاری و... که تمامی این ها تحت عنوان عوارض از شهروندان دریافت می شود

اما احساس می کنم از آنجایی که این تریبون محلّه، محله ای بر گزار می شود، بیشتر به رفع مشکلات شخصی می پردازد. به همین دلیل «توسلی» مسئول روابط عمومی منطقه ۵، کاغذ به دست موارد مطرح شده از سوی حاضران در مسجد را یک به یک یادداشت می کند تا به آن ها رسیدگی شود.

**هزینه های شهروندی باید پرداخت شود**  
شهردار منطقه ۵ وقتی می بیند: طرح سئوالات جنبه خصوصی پیدا کرده، ترجیح می دهد؛ برای جلوگیری از بیشتر مطرح شدن این قبیل سئوالات و روشن شده ادهان عمومی در این خصوص توضیحات کلی بدهد:

هر کسی که در شهر زندگی می کند یک سری هزینه های شهروندی را باید بپردازد، اعم از هزینه هایی در خصوص جمع آوری زباله، هزینه آسفالت، جدول گذاری و... که تمامی این ها تحت عنوان عوارض از شهروندان دریافت می شود. این هزینه ها برای برادری که دویست و هشت متر زیر بنا دارد، ۲۰ هزار تومان در نظر گرفته شده، اگر مقایسه کنید؛ حق شارژ آپارتمان ها در ماه و در مناطق دیگر همین مقدار است. در حالی که این مبلغ، مبلغ عوارض یک ساله این برادر است.

**پرداخت این عوارض بهای شهرنشینی است**  
شهردار می گوید: ما اگر بتوانیم از محل عوارض پایان کار ۱۰ میلیارد تومان در آمد داشته باشیم؛ ۶ و نیم میلیارد آن مربوط به ناحیه یک است که مربوط به نواحی رضاییه، بولوار وحدت، قسمت انتهایی شهید علیمردانی، بولوار امت، بولوار میرزا کوچک خان، حسین آباد کرمانی ها، سجادیه، بولوار شهدای تاسکیرانی و خیابان سرخس است. وی ادامه می دهد: ۲ میلیارد و ۵۰۰ هزار تومان آن مربوط به ناحیه ۲ می

آدرسی که داده اند، خیلی در هم و بر هم است. شهید آوینی ۱۷ یا ۱۵ کوچه در مانگاه، بعد از کمی جستجو می فهمم، آدرس را اشتباه داده اند! بیمارستان امام سجاد (ع) خیلی بالاتر است. وارد آوینی ۳۳ می شوم، کوچه ای است کم نور با عرض کم، از جوانی که ابتدای خیابان ایستاده آدرس مسجد را می پرسم و او می گوید: خیلی باید بروید. راننده سوارش می کند، جوان یکر است ما را به مسجد «زید شهید» در کوچه ای ۶ متری می برد.

از پارک ماشین های فهمم که برپچه های شهرداری آمده اند. نمای بیرونی مسجد کوچک و ساده است اما داخلش بزرگ و جادار. اهالی محلّه دور تا دور مسجد نشستند. بعد از خوش آمد گویی و تعارفات معمول، شهردار منطقه ۵ پشت میز کوچکی می ایستد و پیرامون فعالیت های شهرداری به خصوص در منطقه شروع به صحبت می کند.

**حسن شروع با چند پروژه بزرگ در شهید آوینی**  
مهندس حسینی، شهردار منطقه ۵ بعد از تشریح فعالیت های شهرداری برای اینکه مجلس را به خوبی شروع کند، نوید اجرا و اتمام چند پروژه بزرگ را در منطقه می دهد، پیگیری ساخت کتابخانه ای به متر از ۵۰۰ متر مربع در شهید آوینی ۴۳، شروع پروژه ورزشگاه سرپوشیده و فضای سبز ۴ هزار متری در منطقه گلشهر و افتتاح آن در سال ۹۰. شروع خوبی است اما دلیلی برای مطرح نکردن مشکلات از سوی مردم نیست.

**تکلیف زمین های وقفی را روشن کنید**  
بعد از اتمام صحبت های مقدماتی مهندس حسینی همه همه ها شروع می شود، در این لحظه سرو صدای یکی از اهالی در مورد زمین های وقفی بلند می شود که نسبت به این مسئله معترض است؛ از شهرداری گلشهر می پرسیم، زمینی که مالکش مشخص نیست، چگونه از شهرداری مجوز ساخت گرفته او از شخصی به نام «تقی زاده» نام می برد و در ادامه می گوید: این آقای روی زمین های مردم جولان می دهد، تکلیف این زمین های وقفی را روشن کنید!

مهندس حسینی در جواب به این شهروند می گوید: آقای علی محمد تقی زاده از متولی موقوفه و کالت دار دا جواب شهردار باعث می شود تا این شهروند صدایش را بلندتر کند و استنادات دیگری برای مورد محبتش ذکر کند. این مسئله باعث می شود که شهردار از مسئول روابط عمومی بخواهد تا این مسئله را یادداشت کرده تا در زمان مقتضی به آن رسیدگی شود.

**اجاره بهای اوقاف بر چه اساسی است!**  
مورد بعدی در مورد اجاره اوقاف است. مهندس حسینی در خصوص صحبت یکی از شهروندان می گوید: یکی از شهروندان این شکایت را دارد که اجاره بهایی که اوقاف از ما می گیرند، مبنی بر قانون نیست، وی باید مسئله را دقیق برای ما بگوید که ما آن را بررسی کرده و بدانیم که اگر ضابطه خاصی هست، آن را پیگیری کنیم.

در این لحظه یکی دیگر از شهروندان می گوید: برای این کار هیچ ضابطه ای نیست، به نام اوقاف دفتر و کالتی زده اند که مشخص نیست که آیا قانونی است یا خیر؟! ما نمی خواهیم بدانیم بر چه اساسی برای مردم اجاره تعیین می کنند! این قضیه باید اصولی پیگیری شود.

شهردار منطقه در جواب این شهروند نیز حرف قبلی را تکرار می کند و می افزاید: اگر ضوابط خاصی هست که این ها از ضوابط عدول کرده اند باید بررسی شود! ما هم اراضی در اختیار داریم که باید اجاره اش را بپردازند. بنابر این سعی می کنیم، این قضیه را دنبال کنیم.

اگر چه در این گردهمایی شهردار منطقه ۵ به خوبی به درد دل های مردم گوش می دهد و قول بررسی آن ها را می دهد اما جای مسئولان دیگری که می توانند پاسخگوی مشکلات مردم باشند، خالی است!

**مرجع تغییر کاربری اراضی، کمیسیون ماده ۵ است**  
یکی دیگر از شهروندان از تغییر کاربری زمین اش می گوید و از شهردار منطقه در خواست می کند تا وی دستورات لازم را برای تغییر کاربری آن از بهداشتی، درمانی به کاربری دل خواش بدهد.

شهردار منطقه ۵ می گوید: مرجع تغییر کاربری اراضی، شهرداری نیست بلکه کمیسیون ماده ۵ است. ما نمی توانیم دستور تغییر کاربری بدهیم. در حال حاضر خیلی ها تمایل دارند که مراکز درمانی بسازند و نیاز به ملکی دارند که کاربری آن بهداشتی درمانی باشد!

باشنیدن این صحبت یاد مراکز درمانی همچون بیمارستان علی بن ابی طالب، بیمارستان فاطمی و مرکز درمانی آقامظفی خمینی (ره) می افتم که با وجود داشتن امکانات خوب تبدیل به مکانی متروک شده اند و هنوز از سئوی مسئولان با وجود چاپ گزارش هایی در روزنامه شهر آرا تصمیمی برای آن ها گرفته نشده است و در اینجا صحبت از نیاز به ساخت مراکز درمانی است!

**عوارض جمع آوری زباله، بر اساس متر از است**  
در این حال یکی از اهالی محلّه، قبض عوارض سئوالی اش را می آورد و می گوید: سال گذشته عوارض سئوالی ما، ۱۰۵ هزار تومان شده بود که آن را تمام و کمال پرداختام، امسال برایم ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان قبض آمده من فکر می کردم امسال دیگر نباید پولی پرداخت کنم و... شهردار منطقه ۵ نگاهی به قبض می اندازد و می گوید: عوارض هر سال مخصوص همان سال است. تازه از سال جاری ای ایتم بابت جمع آوری زباله به این عوارض اضافه شده، شما فکر می کنید، حتی اگر بخواهیم این هزینه را بابت جمع آوری یک سال زباله شما حساب کنیم، این مبلغ زیاد است! این شهروند در جواب می گوید: برای همسایه ما نصف این مبلغ